

سازمان دهی موسسات قرض الحسنه در راستای تحقق اهداف تامین مالی خرد

ابوالقاسم اثنی عشری¹، سیدمحمدهادی سلطان‌العلمایی^{2*}

¹ دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور.

² دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه پیام نور.

* پست الکترونیکی نویسنده مسئول smhso85@yahoo.com

چکیده

تامین مالی خرد در طی سال‌های اخیر به عنوان ابزاری در جهت توانمندسازی افراد کم درآمد و کمک به رشد مناطق کمتر توسعه یافته در دنیا به کار گرفته شده است. در ادبیات این مبحث، دو مسأله مخاطرات اخلاقی و انتخاب‌های بد با استفاده از روش‌های متنوع و در اثر شناخت موسسات از شبکه تحت پوشش خود تا حدودی مرتفع گشته است. بر اساس تعالیم اسلامی استفاده از ابزارهای تامین مالی اسلامی در جهت شکوفایی و ایجاد عدالت اقتصادی سفارش شده است. در این بین سنت قرض الحسنه قبل و بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی از جایگاه ویژه‌ای در ایران برخوردار بوده است. لیکن سازماندهی نامناسب و نبود چارچوب استاندارد در صندوق‌های قرض الحسنه از یک سو و کندی سیستم بانکی از سوی دیگر باعث ایجاد مشکلاتی در مقوله تامین مالی خرد در ایران شده است. در این مقاله بر اساس یک مطالعه توصیفی استفاده از یک سازمان واسط میان نهاد ناظر پولی (بانک مرکزی) و شبکه صندوق‌های قرض الحسنه به منظور استانداردسازی چارچوب فعالیت و ساماندهی خدمات بازار غیرمتشکل پولی در این بخش موثر پیشنهاد شده است. این امر موجب خواهد شد با رونق گرفتن تسهیلات خرد و هدایت‌پذیری موسسات قرض الحسنه، بهبود تعمیق مالی به عنوان هدف سیاستی تا حدی محقق خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: تامین مالی خرد، سازمان راس، تامین مالی خرد اسلامی، قرض الحسنه

4. مقدمه

تامین مالی خرد و اعتبارات خرد موضوعاتی هستند که هر از چندگاهی با ظهور مشکلاتی در یکی از اقصی نقاط ایران به عنوان یکی از معضلات نظام پولی کشور مطرح می‌شود. علی‌رغم تجربه‌های مختلف، با ظهور موسسات جدید و بدون نام و نشان در این عرصه، خیل عظیم متقاضیان چنین نهادهایی مبین آن است که بخش رسمی بازار پول نتوانسته است پاسخ متناسبی به این نیاز بازار ارایه نماید. قدمت صندوق‌های قرض‌الحسنه در ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای تامین مالی خرد باعث شده تا صاحب‌نظران داخلی و مقامات اجرایی، سامان‌دهی و استفاده از حداکثر توان بالقوه این نهاد را برای پاسخ‌گویی به تامین مالی خرد در دستور کار قرار دهند. در این مقاله ضمن بررسی مفهوم تامین مالی خرد در ادبیات رایج به معرفی تامین مالی خرد اسلامی می‌پردازیم. سپس با بررسی جایگاه این موضوع و سیر تطورات قانونی صندوق‌های قرض‌الحسنه در ایران ضمن آسیب‌شناسی وضع موجود، الگوی پیشنهادی تشریح می‌شود. شایان ذکر است هدف از طرح مباحث موجود ارایه الگویی برای استفاده از شبکه کنونی است که در حال حاضر مشغول ارایه خدمات می‌باشد؛ اگرچه در این بین مشکلات و نواقصی هم وجود دارد.

5. تامین مالی خرد در ادبیات رایج اقتصادی

تامین مالی خرد در ادبیات رایج اقتصادی در طی دهه‌های اخیر به منظور تسریع در فرآیند سرمایه‌گذاری و تقویت بنیادهای مالی و پس‌انداز مناطق محروم و عمدتاً روستایی مطرح شده است. توانمندسازی و فقر زدایی از جوامع محروم از طریق ارتقا بهره‌وری و با تاکید بر به کارگیری اعتبارات خرد هدف عمده این برنامه‌ها بوده است. راهبرد اعتبارات خرد در توسعه اقتصادی با هدف دسترسی اقشار کم‌درآمد به منابع اعتباری برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها است. بومن (1997) در کتاب خود اعتبارات خرد را چنین تعریف نموده است: "کوچک، کوتاه‌مدت و بدون وثیقه". به عبارت دیگر این اعتبارات به معنای وام‌هایی با مبلغ کم و بدون وثیقه است که به افراد کم‌درآمد پرداخت می‌شود و آن‌ها ملزم در مدت کوتاهی این مبلغ را بازپرداخت نمایند. (مافی، 1387: 16) اعتبارات خرد به عنوان یکی از

مباحث نیولیبیرال، به عنوان محرک اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه که عمدتاً با تورم و بیکاری فزاینده مواجه بوده و توزیع درآمد در آن‌ها چندان عادلانه نیست، مطرح شد. این امر پس از شکست‌های اقتصادی و ناکامی در کاهش فقر اقتصادی در کشورهای در حال توسعه در دهه‌های 88 و 98 توسط سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین الملل پول به صورت مشخص به عنوان برنامه محوری سیاست نیولیبیرال جهت کاهش فقر اتخاذ گردید. (همان منبع: 28)

با عنایت به این مهم در کشورهای در حال توسعه، دولت‌های ملی به منظور ایجاد وضعیت مناسب‌تر برای گروه‌های فقیر در چارچوب برنامه فقرزدایی به تدوین برنامه‌های تامین مالی خرد و ایجاد موسسات تامین مالی خرد اقدام نمودند. برنامه‌های تامین مالی خرد علاوه بر اعطای اعتبارات خرد شامل برنامه‌هایی جهت ایجاد، توسعه و رونق کسب و کار برای گروه هدف بود.¹ تجربه‌های موجود در زمینه تامین مالی خرد با فراز و فرودهایی مواجه بوده است و حتی تجربه‌های موفق نیز گاهی با مشکلاتی مواجه شده‌اند. از جمله تجربه‌های موفق می‌توان به تجربه گرامین بانک بنگلادش، موسسات تامین مالی غیردولتی مالزی و برنامه بهبود وضعیت کشاورزان خرد در نپال و به عنوان یک تجربه ناموفق می‌توان به عدم توفیق اعتبارات خرد در جاماییکا اشاره کرد. (مهم‌ترین دلایل عدم توفیق این برنامه مربوط به نبود نظارت دقیق بر اعتبارات اعطایی، عدم توانایی برای اداره کسب و کار کوچک و عدم توفیق در شناسایی افراد و قدرت بازپرداخت آن‌ها نامبرده می‌شود).

از مهم‌ترین عوامل ناکامی و شکست برنامه‌های تامین مالی خرد می‌توان به وابستگی به منابع دولتی، نرخ‌های بهره ترجیحی و کنترل شده، عدم توجه به جذب منبع مالی از مشتریان، تاکید صرف بر اعتبار و عدم توجه به جنبه‌های آموزشی برای استفاده مولد از این اعتبارات و عدم توجه به شرایط نهادی، اجتماعی و فرهنگی گروه هدف و شناخت ناقص از نیازهای این گروه اشاره کرد. در مقابل چارچوب الگوی تحلیلی که بتواند به سوالات زیر پاسخ مناسب بدهد می‌تواند در تحقق اهداف تامین مالی خرد و ایجاد خدمات پایدار به گروه هدف موفق باشد. این سوالات به شرح زیر است:

¹ بخشی از متون اعتبارات خرد، تامین مالی خرد و سرمایه گذاری خرد را به یک مفهوم به کار برده‌اند.

• وجه تمایز مالیه خرد نسبت به سایر سیاست‌های فقرزدایی و الزامات ناشی از آن چیست؟

- گروه هدف و نیازهای آن چیست؟
 - نقش دولت و سیاست آن در موفقیت مالیه خرد چگونه است؟
 - نحوه سازماندهی مؤسسات مالیه خرد و ویژگی‌های عملیات بانکی آن با قواعد متعارف بانکی متفاوت است. لذا شیوه‌های وام دهی این مؤسسات چگونه باید باشد؟
- باتوجه به رابطه مستقیم پایداری و پوشش گروه هدف و حاشیه سود نهاد مالی، این موضوع (پایداری) باید به عنوان هدف اولیه مؤسسات مالی خرد باشد زیرا بر قدرت گسترش آن‌ها به ویژه در بلند مدت اثر خواهد داشت.

سه موضوع تقاضای خدمات مالی خرد، عرضه خدمات مالی خرد و تاثیر محیط کلان و سیاست‌های دولت از جمله مباحث عمده در این مورد است. بر اساس مطالعات انجام شده نیازهای اعتباری گروه هدف مالیه خرد به سه دسته چرخه زندگی (تولد، ازدواج، مرگ و مخارج آموزش و ...) نیازهای اضطراری (بیکارشدن افراد، بلایای طبیعی و ...) و فرصت‌ها (سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای تجاری خرد و ...) طبقه بندی می‌شوند. (متوسلی و آقابابایی، 1387: 4)

از طرف دیگر پس انداز به عنوان تامین کننده عرضه خدمات مالی خرد و منعکس کننده رفتار اعتباری افراد از اهمیت دو چندانی برخوردار است (هم از دید متقاضی و هم از منظر مؤسسات اعتباری) و می‌تواند هزینه‌های غربال و نظارت بر مشتریان را کاهش دهد. تحقیقات متعددی در دنیا از جمله بانک جهانی در سال 2881 و مبارزه با فقر گزارش توسعه جهانی 2881-2888 نشان می‌دهد که افراد کم درآمد تمایل زیادی به پس انداز دارند و دارای ظرفیت قابل توجهی برای پس انداز کردن هستند. مؤسسات خرد با بهره گیری از مزایای پس اندازهای کوچک افراد کم درآمد و تبدیل آن به پس انداز رسمی قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای اعتباری این افراد و از طرفی جذب پس اندازهای مشتریان دیگر به منظور اعطای خدمات به آن‌ها هستند. بر طبق گزارش‌های آماری تنها موسساتی که سهم بالایی از دارایی‌هایشان را پس اندازهای اختیاری تشکیل می‌دهد در تمامی شاخص‌های گسترش و پایداری، عملکرد مطلوبی داشته‌اند. (متوسلی و آقابابایی، 1387: 7) تکیه بر پس

انداز هم برای پاسخ‌گویی و هم برای پایداری و خودگردانی موسسات مالی خرد ضروری است.

تجربه دخالت‌های مستقیم دولت‌ها در این موضوع که عمدتاً به صورت اعتبارات یارانه‌ای با نرخ بهره ترجیبهی توسط موسسات و بانک‌های دولتی صورت می‌گرفت، نشان داد این اعتبارات یا نصیب گروه‌های غیر هدف و با نفوذ می‌شود و یا به علت مکانیسم ناصحیح اعطای اعتبارات نرخ سود وام‌ها بسیار بالا بوده و بدتر از همه این نرخ پایین بهره و نرخ سوخت بالا منجر به تداوم وابستگی به منافع دولتی و حامیان مال شده است. لذا با توجه به این ناکامی‌ها تا کید حامیان مالیه خرد بر ارایه نقشی بسترساز و تنظیم‌کننده و حیثه مناسب در زمینه سیاست‌های نرخ بهره، مقررات و نظارت مناسب، ثبات اقتصاد کلان، ارایه زیرساخت‌های مناسب اطلاعاتی، آموزش نیروی انسانی، مشاوره و کمک‌های فنی توسط دولت بوده است. یکی از راهکارهای ارایه غیرمستقیم چنین خدماتی ایجاد سازمان‌هایی در یک لایه بالاتر از موسسات مالیه خرد است که به آن‌ها سازمان‌های راس¹ می‌گویند. واسطه‌گری مالی و نهادسازی مهمترین نقش‌های این نوع سازمان‌ها است. لوی در مقاله خود با بررسی تعداد زیادی از این موسسات نقاط قوت و ضعف این سازمان‌ها را برمی‌شمارد او تاکید می‌کند این نوع سازمان‌ها زمانی می‌توانند موفق باشند که تعداد زیادی موسسه مالیه خرد رقیب وجود داشته باشند. همچنین دخالت‌های سیاسی دولت در ساختار آن‌ها و کاهش انگیزه جذب پس‌انداز توسط موسسات مالیه خرد (در صورتی که موسسات مالیه خرد به منافع سهل‌الوصول سازمان‌های راس دسترسی داشته باشند) از جمله نقاط ضعف این سازمان‌ها به حساب آمده است. این سازمان‌ها می‌توانند با ایفای نقش هماهنگ‌کننده، بستری برای کاهش هزینه‌هایی که موسسات تامین مالی خرد با آن روبرو هستند، فراهم کنند. (متوسلی و آقابابایی، 1387: 14)

لازم به ذکر است علت اصلی ریسک عدم پرداخت (نکول) در موضوع تامین مالی بر اساس مخاطرات اخلاقی و انتخاب‌های بد است. نظام مالی متعارف برای مقابله با این موارد از سیستم تعیین اعتبار و وثیقه‌سپاری استفاده می‌نماید که در مورد تامین مالی خرد این دو مبحث قابل کاربرد نیستند. لذا استفاده از روش‌هایی مانند وام‌دهی جمعی باعث خواهد شد تا با فعال شدن یک مکانیسم خودکنترلی، موارد مذکور تا حد زیادی مرتفع گردند.

¹ Apex

استفاده از روش های دیگر در تامین مالی خرد عمدتاً با همین هدف صورت می پذیرد. (آرمندائس، 1398: 15)

6. تامین مالی خرد اسلامی

از مهمترین اصول بنیادی در نظام اقتصادی اسلام، اصل عادلانه بودن تمامی روابط و مناسبات است. لذا شرط لازم هر ایده پردازی آن است که در تمامی روابط و مناسبات این اصل رعایت شود. بر مبنای تعریف عدالت، برخی از معیارهای این مفهوم در نظام بانکی عبارتند از: برخورداری برابر و رعایت انصاف در استفاده از منابع در بازار پول، سهم بری تمامی ذی نفعان براساس مشارکت در تولید، قرار گرفتن اموال در موضع توأم، جلوگیری از اسراف و تبذیر در تخصیص منابع پولی و توجه به تامین مالی خرد اسلامی (موسویان و میسمی، 1393: 33). از دیدگاه اسلامی تامین مالی خرد با مباحث رایج مطرح شده نقاط مشترک زیادی دارد. اسلام برای به ارمغان آوردن تساوی و صلح در یک جامعه آرمانی خود بر اخلاقیات، معنویات، اجتماع، عواملی از این قبیل تاکید می کند. به اشتراک گذاردن ریسک، رعایت حقوق و وظایف فردی و رعایت حقوق مالکیت معنوی و احترام به قراردادهای از اصول اساسی اسلام در نظام های تامین مالی است. می توان دریافت که حمایت از اقشار ضعیف و تاکید بر اهداف توسعه ای و اجتماعی بواسطه تامین مالی، کارآفرینی و مشارکت در ریسک تامین مالی این قشر از موضوعات مشترک میان تامین مالی خرد متداول و تامین مالی خرد اسلامی است. (احمدخان و همکاران، 1391: 9) از طرفی وجوه اختلاف متعددی میان مباحث مالیه خرد رایج و مالیه خرد اسلامی وجود دارد. مهمترین چالش تامین مالی اسلامی در مقایسه با روش های رایج بحث بهره است. به همین منظور استفاده از عقود اسلامی در تخصیص منابع در قالب عقود مشارکتی و مبادله ای و قرض الحسنه در دستور کار قرار گرفته است. استفاده از عقود اسلامی در جذب سپرده ها و بکارگیری سایر منابع مانند وقف، خمس، زکات، انفال و فیء (با رعایت ضوابط مربوط به هریک از منابع نامبرده) از راه های تجهیز منابع سپرده ایی برای ارایه خدمات مالی خرد اسلامی به شمار می آید. همچنین نهادهای اسلامی مانند زکات و قرض الحسنه در نظام اقتصاد اسلام وجود دارند که می توانند برای حمایت از گروه های به شدت فقیر مورد استفاده قرار گیرند که نقش مهمی در تقویت معیارهای عدالت و رضایت اجتماعی در نظام بانکی دارد. (عبداللهی و میسمی، 1398: 3)

تمایز میان تسهیلات مصرفی و تولیدی از دیگر وجوه افتراق است. اگر تمرکز موسسات تامین مالی خرد اسلامی بر توانمندسازی اقشار ضعیف از راه تجمیع آن ها و ارایه وام های تولیدی که آن ها را به لحاظ توانمندسازی، باشد، سازگاری بهتری میان اهداف نظام اقتصادی اسلام و تامین خرد اسلامی پدید خواهد آمد. برای این منظور می توان عقود مبادله ای و مشارکتی برای تامین نیازهای تولیدی و از قرض الحسنه برای تامین نیازهای مصرفی استفاده کرد. در این حالت بخشی از سود فعالیت تجاری و تولیدی عاید تامین کننده مالی شده و مشارکت وی را تقویت می کند.

4 6. اصول تامین مالی خرد اسلامی:

قبل از برشمردن اصول تامین مالی اسلامی، ذکر این نکته ضروری است که روش های تامین مالی اسلامی بر مبنای این اعتقاد کلیدی شکل گرفته اند که پول به طور ذاتی یک دارایی نیست و خودش درآمد ایجاد نمی کند. اصولی که به طور خاص در تطبیق هر نوع تامین مالی با شریعت اسلامی به کار برده می شوند به شرح زیر است:

1. وجود ریسک به معنای اینکه استفاده از وجوه در امور بازرگانی و تولیدی همراه با ریسک است.
2. قطعیت مادی بدان معنی که موضوع فعالیتی که تامین مالی می شود باید به طور مستقیم یا غیرمستقیم به فعالیت های اقتصادی واقعی متصل باشد و لذا اصول اسلامی با سفته بازی در تضاد است.
3. تولید یا خدمتی که مبادله می شود باید برای طرفین آشکار باشد.
4. وجوه به کار برده شده نباید از فعالیت های حرام و گناه و به طور کلی فعالیت هایی از لحاظ اخلاقی یا اجتماعی در شریعت اسلامی ممنوع شده بدست آیند و در تامین مالی اولویت با فعالیت هایی است که از نظر اجتماعی پربارتر هستند.
5. ریسک مالی باید منحصرًا به وام دهندگان تعلق بگیرد نه مدیر یا عامل که با سرمایه کار می کنند علاوه بر این مبادله مالی نباید به استثمار هر طرف در مبادله منتهی گردد.
6. بهره حرام است اما نرخ بازگشت سرمایه ای که در مراحل تولید قرار گرفته است و در معرض ریسک می باشد، قابل مطالبه است.

7. فروختن آنچه که کسی مالک آن نیست اجازه داده نشده لذا فروش استقراضی¹ مجاز نیست. (منظور آن است که دارایی را که در اختیار نداریم، بفروشیم و باید برای تحویل آن دارایی به خریدار، آن را عاریت بگیریم. حاصل این معامله آن است که باید در تاریخی در آینده دارایی را بخریم و به کسی بدهیم که از وی به عاریت گرفته ایم.) (احمدخان و همکاران، 1391: 18).

هدف عمومی تامین مالی اسلامی توجه به توسعه اقتصاد مطابق با اصول پذیرفته شده است.

5 6 ابزارهای تامین مالی اسلامی

هدف عامی که در تمامی ابزارهای تامین مالی اسلامی مشترک است، بایستی توسعه اقتصاد به اندازه و مطابق اصول اسلامی باشد. همچنین درستکاری و مسؤولیت پذیری اخلاقی در قراردادهای تامین مالی اسلامی جزء عناصر ضروری رفتار اسلامی است. براساس اصول تامین مالی اسلامی و موضوع حرمت ربا و حلال بودن بیع، تنها یک نوع وام به نام قرض الحسنه وجود دارد و سازوکارهای دیگر براساس ترتیبات تامین مالی استوار گردیده اند. باتوجه به ابعاد مختلف عقود مورد استفاده در تامین مالی اسلامی در اینجا صرفا به معرفی مختصری از این عقود اکتفا می گردد.

4 5 6 مرابحه:

یکی از عقود که مورد قبول اکثر متقاضیان در روش های تامین مالی اسلامی است، مرابحه نام دارد. مرابحه متضمن فروش مجدد کالا بعد از رعایت حاشیه سود معینی² به وسیله وام دهنده به وام گیرنده ای است که موافقت می کند کالا را به قیمت پیشنهاد شده خریداری نموده و قیمت را به صورتی که تعیین شده بازپرداخت نماید. شایان ذکر است که مرابحه از لحاظ موضوع و دامنه کاربرد و نیز تنوع در شیوه های پرداخت جامع تر و کامل تر از فروش اقساطی (مصطلح در نظام بانکی ایران) است به طوری که فروش اقساطی صرفا در مورد کالاهای محدود و معینی (موضوع ماده 2 آیین نامه اجرایی عملیات بانکی بدون ربا

¹ short sell

² mark up

در مورد فروش اقساطی قابل استفاده است در حالی که مباحه علاوه بر موارد مذکور برای تمامی کالاهای مصرفی و بادوام و حتی خرید خدمات مورد نیاز نیز مورد استفاده قرار می گیرد. همچنین شیوه بازپرداخت آن نیز به علاوه بر پرداخت اقساطی همانند بیع نسبه دفعی، بیع نسبه و بیع نقدی صورت پذیرد (موسویان، 1398: 12).

6 5 5 مضاربه:

مضاربه در لغت به معنای تجارت با سرمایه دیگری است و در اصطلاح عقدی است که بر مبنای آن فردی (مالک) مالی را در اختیار فرد دیگری (عامل) قرار می دهد تا با آن مال تجارت کند و سود حاصله میان آن به نسبت معینی که از قبل توافق شده است تقسیم گردد. بر اساس دیدگاه مشهور فقهای شیعه عامل باید سرمایه را در کار تجارت و خرید و فروش به کارگیرد و استفاده از آن در موارد دیگر (مثل تولید و زراعت) درست نیست؛ در حالی که دیدگاه مشهور فقهای اهل سنت آن است که مضاربه عقدی عام است. به همین دلیل در اکثر کشورهای اسلامی برای سپرده های سرمایه گذاری مدت دار اغلب از مضاربه استفاده می کنند (موسویان و میسمی، 1393: 99).

6 5 6 مشارکت:

شرکت در لغت عبارت است از مخلوط شدن دو یا چند مال به گونه ای که هر کدام از صاحبان مال به طور مستقل بر کل مال مخلوط شده تسلط نداشته باشند و در اصطلاح به معنای قراردادی است که بین دو یا چند نفر برقرار می گردد که طبق آن با مال مشترک بین آن ها فعالیتی انجام پذیرد و ثمره آن به تقسیم سود و زیان به دست آمده بین شرکا به تناسب سرمایه خواهد بود. قبول و ایجاب و برقراری شرایط عمومی معاملات برای طرفین از دیگر شرایط این نوع قرارداد است همچنین سرمایه موضوع قرارداد می بایست معلوم و معین باشد. بنا بر دیدگاه مشهور فقها عقد شرکت، عقدی جایز است که البته می توان برای آن زمان مشخصی را قرار داد به این معنا که شرکت تا آن زمان برقرار بوده و پس از آن منحل گردد. اگر در قرارداد شرکت راجع به تقسیم سود و زیان توافق خاصی انجام نشده باشد، ثمره فعالیت به نسبت مال هر یک از شرکا تقسیم می شود. همچنین اگر تضمین ضرر

احتمالی توسط یک یا چند نفر از شرکا به صورت شرط ضمن عقد لحاظ شده باشد، مانعی ندارد.¹ (موسویان و میسمی، 1393: 97)

6-5-7 اجاره:

از جمله عقودی که قرآن کریم به صراحت در آیات 32 سوره قصص و 28 سوره زخرف به آن اشاره نموده عقد اجاره است. اجاره در لغت به معنای مزد و پاداش و در اصطلاح عقدی است که به موجب آن مستاجر در برابر مال معین برای یک مدت مشخص مالک منفعت عین مال الاجاره یا عمل اجیر می شود. همانند مشارکت این عقد نیز نیازمند قبول و ایجاب است و طرفین عقد باید شرایط عمومی معاملات را دارا باشند. البته بر اساس نظر فقها اجاره معاطاتی نیز صحیح است. مال الاجاره باید عین معین و معلوم باشد تا موجد (اجاره دهنده) بتواند آن را تحویل مستاجر (اجاره گیرنده) دهد و در مقابل مستاجر بتواند از آن بهره برداری نماید. اجاره از عقود تملیکی است و بر اثر آن منفعت به ملکیت مستاجر و اجراه بها به ملکیت موجد در می آید. علاوه بر آن این عقد در زمره عقود لازم طبقه بندی می شود و تا زمانی که مدت آن پایان نیافته است طرفین جز با رضایت یکدیگر یا بروز یکی از عوامل فسخ اجاره حق فسخ آن را ندارند. عقد اجاره بر اساس ملاک های مختلف طبقه بندی می شود به عنوان مثال بر اساس مال الاجاره (مستاجر) اجاره می تواند به اجاره اموال یا اجاره عمل نیروی کار طبقه بندی شود یا بسته به نوع مالکیت مال الاجاره در پایان قرارداد می تواند به اجاره عادی یا اجاره به شرط تملیک طبقه بندی شود. (موسویان و میسمی، 1393: 92)

6-5-8 - قرض الحسنه:

واژه قرض در لغت به معنای قطع کردن و بریدن و در اصطلاح قراردادی است که طی آن فردی مالی را ملک دیگری می نماید به شرط آنکه دریافت کننده مال متعهد (مشغول الذمه) و ضامن باشد که خود آن مال (مثل) یا قیمت آن را بازگرداند. این قرارداد از نوع

¹ در نظام بانکی ایران قراردادهای مرتبط با تسهیلات مشارکتی با ذکر شرط ضمن عقد که "عقد صلح خارج لازم" نامیده می شود از عقود جایز به عقود لازم تبدیل می شود.

قراردادهای لازم و تملیکی محسوب می‌گردد. با توجه به آیات و روایات تحریم ربا در اسلام¹ هر گاه در عقد قرض زیاده‌ای به نفع قرض دهنده در قرارداد مشروط و غیر اختیاری باشد، آن معامله ربوی خواهد بود. (موسویان و میسمی، 1393: 85) بنابراین تنها عقد قرض که از نظر شریعت اسلامی مورد قبول خواهد بود قرض الحسنه است. در اغلب کشورهای اسلامی با توجه به هزینه‌هایی که نهادهای پرداخت قرض الحسنه متحمل می‌شوند مقداری کارمزد از وام گیرندگان دریافت می‌شود. با توجه به اینکه ارقام مذکور به عنوان هزینه تسهیلات قرض الحسنه بوده و عملاً منفعت اضافه‌ای به حساب نمی‌آید، اغلب فقها آن را مشمول حکم ربا نمی‌دانند.

انواع دیگر روش‌های تامین مالی نیز وجود دارد که در جاهای مختلف به کار گرفته می‌شود. از جمله این عقود مزارعه، مساقات و بیع سلف است که در زمینه فعالیت‌های کشاورزی و عقود مانند استصناع و بیع دین هم عمدتاً در فعالیت‌های تولیدی صنعتی و تجاری به کار گرفته می‌شوند. همچنین عقد جعاله که با کاربردهای متنوع در شبکه‌های تامین مالی اسلامی به کار برده می‌شود که توضیح ویژگی‌های این ابزارها از موضوع این بحث خارج است.

7. تامین مالی خرد در ایران

در ایران به نظام تامین مالی خرد به صورت مستقل پرداخته نشده است و بانک‌ها و برخی موسسات اعتباری به سپرده گذاران خرد و کلان در کنار یکدیگر خدمات ارائه می‌نمایند. با توجه به اینکه ماهیت فعالیت بانک انتفاعی است، سهمی از منابع که به تامین مالی خرد اختصاص می‌یابد، معمولاً اندک است. همچنین ریسک عدم پرداخت (نکول) در تسهیلات خرد با توجه به اینکه اغلب دریافت کنندگان این تسهیلات جز دهک‌های پایین درآمدی هستند، بیشتر خواهد بود. لذا نظام بانکی تمایلی به پرداخت وجوه در قالب تامین مالی خرد ندارد. به عنوان مثال حتی منابع قرض الحسنه‌ای را که از طریق تبلیغات و جوایز سپرده قرض الحسنه جذب کرده است را هم در سایر عقود به مصرف می‌رساند. به همین دلیل در بند الف ماده 86 قانون برنامه پنجم توسعه شبکه بانکی موظف به ایجاد سازوکاری

¹ آیات 275 تا 278 سوره بقره و روایاتی همچون "کل قرض جر نفعاً فهو ربا" از پیامبر اکرم (ص)

شد که منابع تجهیز شده از سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی صرفاً برای اعطای تسهیلات قرض الحسنه مصرف شود. علی‌رغم این تأکیدات بر اساس آخرین آمار سهم قرض الحسنه از کل تسهیلات اعطایی به بخش غیردولتی در سال 1398 برابر 5.2 درصد بوده در حالی که سهم سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز از مجموع سپرده‌های بخش غیردولتی 9.7 درصد بوده است. ذکر این نکته ضروری است که کمترین میزان نرخ سپرده قانونی در سال‌های اخیر مربوط به سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز بوده است. البته کاهش سهم سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز عوامل متعددی دارد که می‌توان به افزایش تورم و به تبع آن افزایش نرخ سود سپرده‌های مدت دار اشاره کرد.

از سوی دیگر بخش عمده نهادهای تأمین مالی خرد خارج از شبکه بانکی در قالب صندوق‌های قرض الحسنه به فعالیت پرداخته‌اند. این صندوق‌ها در سال 1348 و بر اساس قانون تجارت تحت عنوان موسسات تجاری غیرانتفاعی شروع به فعالیت نموده و از سال 1351 و با تصویب قانون پولی و بانکی کشور موظف به انجام فعالیت تحت نظارت بانک مرکزی شدند. بررسی سیر مراحل قانونی ثبت و فعالیت صندوق‌های قرض الحسنه حاوی نکاتی است که در بخش پایانی به اشاره خواهد شد.

4-7. قوانین حاکم بر صدور مجوز صندوق‌های قرض الحسنه

با پیروزی انقلاب اسلامی و مطرح شدن گروهی پیاده سازی ایده بانکداری بدون ربا را در احیای امر قرض الحسنه می‌دانستند. فعالیت سازمان اقتصاد اسلامی در سال 1358 با هدف ترویج و توسعه سنت صندوق قرض الحسنه آغاز گردید. در سال 1359 این سازمان خود را به عنوان هماهنگ کننده صندوق‌های قرض الحسنه سراسر کشور معرفی نمود و صندوق‌هایی که زیر چتر حمایتی این سازمان درآمدند موظف شدند امور مالی و مراودات پولی خود را نزد این سازمان متمرکز کنند. هیات دولت در پایان سال 1363 بانک مرکزی را موظف به نظارت بر صندوق‌های قرض الحسنه در کنار وزارت کشور نمود. هرچند همچنان شهربانی مرجع صدور مجوز بود. بر این اساس شورای پول و اعتبار در سال 1367 مقررات و ضوابط کلی مربوط به فعالیت صندوق‌های قرض الحسنه را با رویکردی سخت‌گیرانه و محدود کننده به تصویب رساند. این درحالی است که در کمتر از دو سال شورای مذکور در یک اصلاحیه، بسیاری از محدودیت‌ها را برداشته و حتی دریافت مجوز از بانک مرکزی در

فرآیند تاسیس صندوق قرض الحسنه نیز حذف شد و بانک مرکزی تنها به عنوان مقام ناظر باقی ماند و در واقع این امر مقدمات حذف کامل بانک مرکزی از نظام صندوق های قرض الحسنه را فراهم آورد بدین ترتیب در آبان 1378 نظارت بانک مرکزی از صندوق ها لغو و نیروی انتظامی مسئول صدور مجوز گردید.

در ماده 92 قانون برنامه سوم مصوب سال 1379 بانک مرکزی موظف شد جهت افزایش شرایط رقابتی بانکها و گسترش بازارهای مالی و تشویق پس انداز داخلی زمینه فعالیت مجاز انواع موسسات سازمانها و واحدهای اعتباری غیر بانکی (غیردولتی) را فراهم آورد و نظارت لازم را بر آنها اعمال نماید این در حالی است طی این 8 سال تعداد بسیار محدودی مجوز برای موسسات اعتباری غیربانکی صادر شده است.

در بهمن سال 1381 با تصویب آئین نامه اجرائی تاسیس و فعالیت سازمانهای غیردولتی بار دیگر بانک مرکزی موظف به نظارت تخصصی بر موسسات اعتباری غیردولتی شد اما در پایان همان سال رئیس کل وقت بانک مرکزی در نامه ای به وزیر اقتصاد، صندوق های قرض الحسنه را از شمول موسسات غیرتجاری خارج دانسته و مسئولیت نظارت بر صندوق های قرض الحسنه را تا زمان تصویب و ابلاغ قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی و دادن اختیارات کامل به بانک مرکزی نمی پذیرد.

در پی بحران صندوق های قرض الحسنه در سالهای 82 و 83 هیات دولت در تصویب نامه ای در فروردین سال 1383 اداره ثبت شرکتها را از ثبت صندوق های قرض الحسنه و تعاونی های اعتبار جدید بدون مجوز بانک مرکزی منع می نماید. شورای پول و اعتبار نیز در مصوبه تیرماه خود در همان سال مقررات مربوط به صدور مجوز و نحوه فعالیت صندوق های قرض الحسنه را پیش از تصویب و ابلاغ قانون بازار غیرمتشکل پولی به تصویب می رساند.

با تصویب قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی در دی سال 1383 توسط مجلس شورای اسلامی، بانک مرکزی به عنوان تنها نهاد ناظر پولی موظف به نظارت و ساماندهی کلیه موسسات اعتباری فعال در بازار غیر متشکل پولی می شود.

پس از اعلام و ابلاغ بسته سیاستی نظارتی بانک مرکزی در سال 1387، مقررات و ضوابط مربوط به فعالیتهای صندوق های قرض الحسنه نیز اعلام گردید؛ بدین ترتیب موسساتی که صرفا به دریافت و پرداخت قرض الحسنه اقدام می نمایند به شرط اینکه فعالیت آنها منجر به خلق پول نشده و وام جدولی نیز پرداخت نکنند، از تودیع سپرده قانونی

معاف شدند. در سال 88 نیز در بسته سیاستی نظارتی به کلیه موسسات مالی و اعتباری و از جمله صندوق های قرض الحسنه یک فرصت 8 ماهه داده شده تا نسبت به کسب مجوز از بانک مرکزی اقدام نمایند.

شورای پول و اعتبار پس از پنج سال از تصویب قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی سرانجام در مرداد سال 1388 حسب الزام قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی اقدام به تصویب دستور العمل تاسیس، فعالیت و نظارت بر صندوق های قرض الحسنه نمود. در این دستور العمل حداقل سرمایه لازم برای تاسیس صندوق قرض الحسنه 588 میلیون ریال و حداقل مدرک تحصیلی مدیرعامل لیسانس مرتبط ذکر شده است و صندوق ها موظف به تودیع 18 درصدی سپرده قانونی شدند. تبصره 1 ماده 96 قانون برنامه پنجم توسعه یک بار دیگر به عنوان حکم قانونی بر اخذ مجوز فعالیت کلیه موسسات اعتباری از جمله صندوق های قرض الحسنه از بانک مرکزی تاکید می کند. بانک مرکزی ضمن تفاهمنامه ای در آبان ماه 88 که با سازمان اقتصاد اسلامی داشت صندوق های قرض الحسنه تحت پوشش این سازمان (حدود 1188 صندوق قرض الحسنه) را از برخی الزامات دستور العمل مانند از اخذ مجوز از بانک مرکزی و به تبع آن حداقل سرمایه، مدرک تحصیلی مدیرعامل و همچنین تودیع سپرده قانونی معاف نمود.

در آبان سال 1391 شورای پول و اعتبار در مصوبه ای، صندوق های تک شعبه ای که صرفاً به عملیات قرض الحسنه مبادرت می ورزند را از اخذ مجوز فعالیت از بانک مرکزی معاف نمود. ثمره مصوبه مذکور این می شود که صندوق های چند شعبه ای موظف شدند از ابتدای سال 92 نسبت به تعطیلی شعب خود اقدام و یا در یک بانک قرض الحسنه تجمیع شوند و یا صرفاً در به صورت تک شعبه ای فعالیت نمایند تا از اخذ مجوز از بانک مرکزی بی نیاز گردند. البته این مصوبه در مهرماه 1393 ملغی شد و شورای پول و اعتبار مقرر نمود متقاضیان تاسیس و فعالیت صندوق های قرض الحسنه می بایست نسبت به اخذ مجوز از بانک مرکزی اقدام نمایند.

8. جمع بندی و نتیجه گیری

سهولت فرآیند، اعتماد متقابل و دسترسی سریع در مقابل بروکراسی اداری و فرآیندهای پیچیده و پر هزینه نظام بانکی در کشور باعث تمایل دریافت کنندگان این

تسهیلات به بخش غیر رسمی (علی‌رغم مشکلات و بحران‌های متعدد در سال‌های اخیر) شده است. از طرفی با شناخت با توجه به شناخت بیشتر صندوق های قرض الحسنه در مورد شبکه تحت پوشش خود (خصوصاً در صندوق های صنفی و محلی) اعتماد متقابل میان تسهیلات گیرندگان و صندوق باعث می‌شود ضمن پوشش ریسک های ناشی از مخاطرات اخلاقی و انتخاب های بد، نسبت تسهیلات غیرجاری که به عنوان یکی از مهمترین مشکلات نظام بانکی کشور مطرح است، کاهش یابد. لذا استفاده از توان بالقوه شبکه صندوق های قرض الحسنه موجود می‌تواند پوشش خلا تامین مالی خرد در نظام تامین مالی کشور کمک نماید. لیکن بررسی سیر تطورات قانونی قرض الحسنه مبین آن است که از نظر قانونی هنوز جایگاه خاصی برای نهاد صادرکننده مجوز، نظارت و ارزیابی صندوق های قرض الحسنه به عنوان یکی از نهادهای تامین مالی خرد در ایران وجود ندارد. از طرفی با توجه به تمامی اساس نامه‌های جاری، تنها ابزار مورد استفاده در این نهاد قرض الحسنه است؛ در صورتی که در بخش معرفی ابزارهای تامین مالی خرد اسلامی از ابزارهای دیگری نیز می‌توان استفاده کرد. به نظر می‌رسد غیر انتفاعی بودن این نوع موسسات در نظام مالی ایران علت اصلی عدم تنوع ابزارهای مورد استفاده است.

نکته حایز اهمیت دیگر آن است که در اغلب بحران‌های پدید آمده در سالیان اخیر در این موسسات، فقدان نظارت و نبود چارچوب استاندارد برای فعالیت باعث انحراف از اهداف تعیین شده بوده است. البته اساسنامه‌ای که در مرداد 1388 به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده است مشکل وجود استاندارد را حل نموده اما پیاده سازی و اجرای آن کماکان از مسایل اصلی ساماندهی بازار غیرمتشکل پولی است.

مساله دیگر عدم وجود اطلاعات دقیق از حجم فعالیت، تعداد سپرده گذاران، حجم تسهیلات پرداخت شده میانگین تسهیلات پرداخت شده، متوسط تعداد اقساط تسهیلات پرداختی، میزان و نسبت مطالبات غیرجاری و ... است که باعث شده تا زمینه برای هماهنگ کردن این نهاد در سطح کلان وجود نداشته باشد. این امر تا آن جا قابل توجه است که حتی در حال حاضر تعداد قطعی صندوق های قرض الحسنه فعال و غیرفعال در کشور مشخص نیست. بنابر اظهارات مقامات بانک مرکزی تعداد 5888 صندوق در کشور فعال هستند که تقریباً نیمی از آنها فاقد هر نوع مجوز هستند (ایسنا، 1393). این در حالی است یکی از راه‌های کوتاه بهبود تعمیق مالی از طریق ساماندهی به بازار غیرمتشکل پولی است که با

تحقق آن افزایش و کنترل نقدینگی از طریق واسطه‌گری شبکه بانکی و ضریب فزاینده پولی خواهد بود.

بر اساس تمامی مطالب ارایه می‌توان گفت که وجود یک لایه میانی مابین نهاد ناظر پولی و صندوق های قرض الحسنه می‌تواند مزایای زیادی برای طرفین داشته باشد. سازمان واسط (مشابه سازمان‌های راس) با قرار گرفتن میان نهاد ناظر و موسسات قرض الحسنه می‌تواند در هدایت، آموزش، کاهش هزینه‌های جاری، فراهم کردن بستر اطلاعاتی مناسب، ایجاد وحدت رویه در اداره چنین موسساتی و ایجاد فضای تبادل نظر میان بخش‌های سیاست‌گذار و مجری نقش موثری ایفا نماید. از طرفی بانک مرکزی به منظور نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات می‌تواند به جای اینکه به تک تک این موسسات مراجعه کند، با همکاری سازمان واسط و به صورت غیرمستقیم بر گروه هدف نظارت نموده و به منظور هدایت سیاست پولی از این دسته موسسات نیز استفاده نماید. ضمن آن که با اضافه شدن این گروه موسسات به نظام تامین مالی کشور می‌توان گامی در تعمیق مالی کشور برداشت.

مراجع

- متوسلی، محمود و آقابابایی، رضا، (1387)، بررسی ویژگی های الگوی موفق مالیه خرد در جهت تعیین عوامل کلیدی موفق آن، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره 83، تابستان 1387.
- عبدالهی، محسن و میسمی، حسین، (1398)، تأمین مالی خرد اسلامی و نقش آن در تقویت عدالت و رضایت اجتماعی در نظام بانکی کشور، فصلنامه تازه های اقتصاد، شماره 132، تابستان 1398.
- موسویان، سید عباس، (1398)، امکان سنجی کاربرد مراجه در بانکداری بدون ربا، فصلنامه روند پژوهشهای اقتصادی، شماره 59، پاییز 1398.
- آرمندایس، بثاتریس و مرداک، جانانان، (1398)، اقتصاد تامین مالی خرد، متوسلی، محمود، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

شرکت علمی پژوهشی و مشاوره ای آینده ساز- استان مازندران - ساری - 63 خرداد
4637

-
- مافی، فرزانه، (1387)، اعتبارات خرد (ویژگی ها، تجارب، ملاحظات و راهبردها)، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- احمدخان، اعجاز و عبیداله، محمد، خان، طریق اله، (1391)، تامین مالی خرد اسلامی، سیدنورانی، محمدرضا، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- موسویان، سیدعباس و میسمی، حسین، (1393)، بانکداری اسلامی مبانی نظری- تجارب عملی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی 1398، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- سرویس اقتصادی، بانک و بیمه، (1393)، از 7888 موسسه مالی فعال کدام تحت نظارت بانک مرکزی اند؟، <http://isna.ir>
- پایگاه اطلاع رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، <http://cbi.ir>